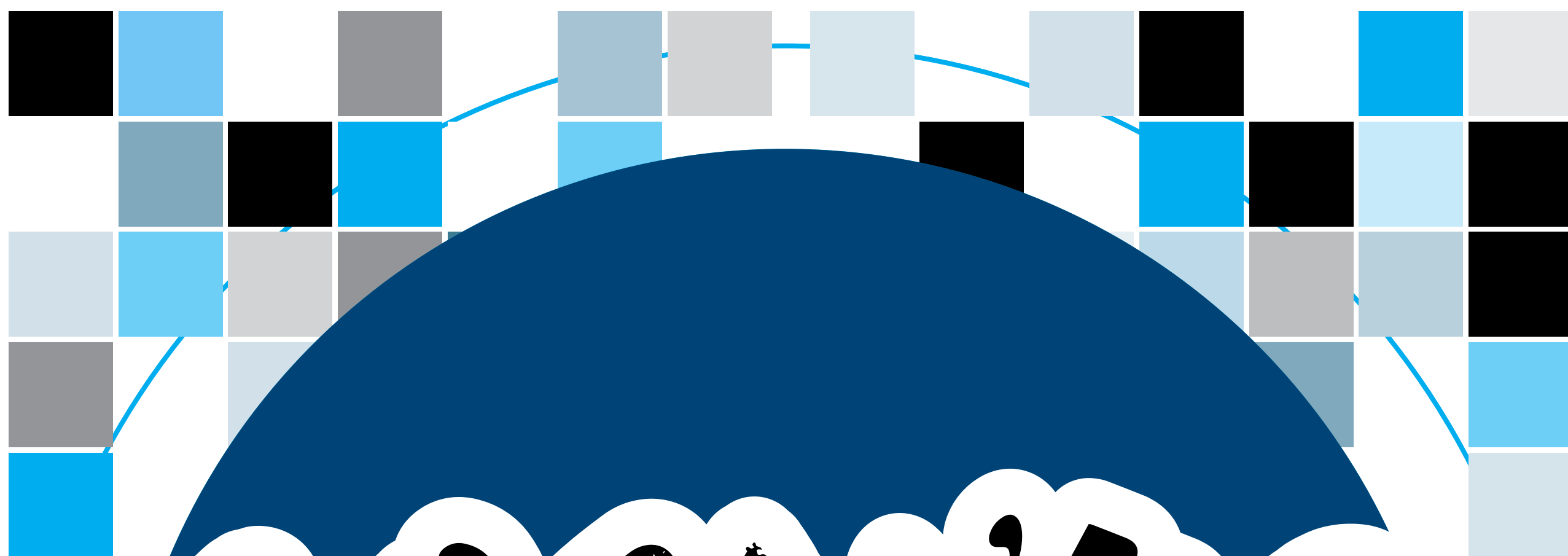




شبهه

شبهه‌شناسی | گفتمان‌سازی و پاسخ‌گویی

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)
شماره سی و پنج | اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴

منتشر شد

۳۵

آخوند حکومتی، حکومت آخوندی

شبهه: حضور حوزه‌ها در میدان سیاست، موجب خواهد شد تا مردم، روحانیان را آخوند حکومتی بنامند و این مسئله، وهن روحانیت شیعه خواهد بود.

این شبهه را می‌توان به صورت خلاصه، این‌گونه بیان کرد:

۱. جمهوری اسلامی، حکومت ارزش‌هاست؛ حکومت اسلام‌است؛ حکومت شرع‌است؛ حکومت فقه‌است؛ نه حکومت افراد روحانی.

۲. روحانی بودن، کافی نیست برای اینکه کسی سلطه حکومتی پیدا کند. جمهوری اسلامی با حکومت‌های روحانیانی که در دنیا می‌شناسیم، در گذشته هم بوده‌است، امروز هم در نقطه‌هایی از دنیا هست، متفاوت است. حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ارزش‌های دینی است.

۳. ممکن است یک روحانی، ارزش‌هایی را حائز باشد که از بسیاری از روحانی‌ها برتر باشد؛ او مقدم است؛ اما روحانی بودن هم موجب نمی‌شود که از کسی، سلب صلاحیت شود. نه به تنهایی روحانی بودن صلاحیت‌آور است، نه روحانی بودن موجب سلب صلاحیت است.

۴. این حکومت دین‌است، نه حکومت یک صنف خاص و یک مجموعه خاص.

حجت‌الاقاب العلماء

اغلب مشاهده می‌کنیم که عناوین به کار رفته برای علما، در جامعه ایجاد سوال می‌کند که خاستگاه اینها چیست و با چه ملاکی و برای چه سطحی از روحانیان به کار می‌رود؟

برخی القاب و عناوینی که امروزه در مورد دانشمندان دین و اهل علم به کار می‌رود، در زمان ائمه نیز مرسوم بوده است؛ مثلاً واژه «عالم»، جزء نخستین القابی است که در سده‌های اول و دوم هجری، در میان دانشمندان دینی متداول بوده است. امام رضا علیه السلام، ملقب به «عالم آل محمد» بوده است. در برخی از سخنان و کلمات معصومان، از دانشمندان دینی به عنوان «علمای آل محمد» نام برده‌اند.

واژه «فقیه» و «فقیه»، از دیگر القاب رایج دوره پیامبر گرامی اسلام و امامان برای دانشمندان دینی است. پیامبر اکرم در روایتی می‌فرماید: «الْفُقَهَاءُ أَمَنَاءُ الرَّسُلِ؛ فقیهان، امینان پیامبران می‌باشند». در کلامی از امام علی علیه‌السلام نیز ایشان رتبه فقیه را برتر از هزار عابد بیان می‌کند. واژه «شیخ» نیز از دوره ائمه تا غیبت صغری، به تدریج به القاب علمای شیعه افزوده شد. تقریباً در قرن چهارم هجری، از عالمان بزرگ شیعی، با نام شیخ یاد می‌شده است. مانند شیخ صدوق، شیخ طوسی و شیخ مفید.



به قدمت ۱۲ قرن

شبهه: برخی میگویند روحانیت و حوزه‌های علمیه، در دوران اخیر پیدا شده و سابقه‌ای در صدر اسلام ندارد.

حوزه‌های علمیه شیعه، در طول ۱۴ قرن، نقش اساسی در حفظ و انتقال علوم اهل بیت داشته‌اند. این مراکز علمی، در نقاط مختلف جهان اسلام شکل گرفتند و با تربیت عالمان و شاگردان برجسته، معارف دینی را گسترش دادند. اسلام با تأکید بر علم‌آموزی، تقفه در دین و تدبیر در آیات الهی، زمینه‌ساز شکل‌گیری این حوزه‌ها شد.

حوزه قم: قم از قرن دوم هجری، به عنوان یکی از پایگاه‌های اصلی شیعه شناخته شد. با هجرت اشعریان به این شهر، زمینه برای شکل‌گیری حوزه علمیه فراهم شد. امام صادق علیه‌السلام نیز به اهمیت این شهر اشاره فرموده است. محدثان بزرگی مانند شیخ صدوق و ابن بابویه، در این حوزه فعالیت داشتند. پس از دفن حضرت معصومه علیها‌سلام در قم، این شهر اهمیت بیشتری یافت و در دوران معاصر با حضور آیت‌الله حائری، حوزه قم احیا شد.

در عصر حاضر، رسالت اصلی و بنیادین حوزه‌های علمیه، بازسازی تمدن اسلامی است. بر همین اساس، حوزه‌های علمیه، باید در تحول خود، به این امر توجه داشته باشند و اصلاحات لازم برای ایفای این رسالت عظیم را در خود ایجاد نمایند. قاعدتاً برای احیای تمدن اسلامی، باید هم بر میراث و اصالت خود اعتماد کنیم و هم به تجارب مثبت بشری توجه نماییم. جمع میان «اصالت» و «عصری شدن» و همچنین میان «سنت» و «تمدن جدید»، نیازمند آگاهی و هوشیاری فراوان است. در این زمینه، نقش علما و روشنفکران و متفکران جهان اسلام، نقشی ممتاز و بی‌بدیل است.

دنیا امروز، بعد از چندین قرن فاصله با معنویت و ارتباط با خدا، رویکرد نوینی به اخلاق و معنویت یافته است. این بازگشت به معنویت و معرفت، به بنیادهای عقلانی و فکری و منطقی نیاز دارد و وجود این بنیادها و پایه‌ها در تفکر و اندیشه اسلامی، به طور ویژه احساس می‌شود. در این فضا، دنیای اسلام می‌تواند حضور بسیار موثری برای تقویت معنویت داشته باشد. این امر، در شرایطی تحقق یافته که کوشش‌های فراوانی در دنیای غرب در قالب تئوری‌های علمی انجام گرفته است تا بایشر و انسانیت، از خداوند متعال و معنویت جدا شود؛ اما این تلاش‌ها به جایی نرسیده و امروز وجدان بشر، پذیرای معنویت و ارتباط با خداوند است.



جایگاه تمدنی حوزه قم



یک قدم برای ریاست بر نداشتنم

با رونق گرفتن حوزه علمیه اراک توسط آیت الله حائری یزدی، امیدها برای احیای رونق دوباره حوزه قم نیز زنده شد. اصرار علمای آن روز شهر قم مثل مرحوم سید ابوالحسن رفیعی و محمدتقی بافتی، باعث شد که آیت الله حائری به قصد زیارت به قم بیایند؛ وقتی خبر حرکت ایشان به اهالی قم رسید، مردم قم از شاه جمال -که چهار کیلومتر نرسیده به قم بود- به استقبال مرحوم شیخ رفتند و همان جا زمره اقامت ایشان در میان مردم پیچید. در صحن حرم حضرت معصومه (علیها‌سلام) با درخواست مردم و اصرار عالمان و سخنرانان برای ماندن شیخ در قم، ایشان با قرآن استخاره کرد که نتیجه آن، این آیه بود: «وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ؛ همه خاندانتان را نزد من آورید».

با حضور شیخ عبدالکریم حائری و تلاش‌های ایشان، نزدیک به هزار نفر از طلاب و علما، در قم گرد هم آمدند و حوزه قم، رونق علمی خود را باز یافت و توجهات را به خود معطوف کرد؛ به گونه‌ای که احمد شاه، آخرین پادشاه قاجار به قم آمد و تاسیس حوزه را به شیخ عبدالکریم تبریک گفت.

در جامعه‌ای که گاهی تصویر روحانیت، در هاله‌ای از ابهام و کلیشه‌ها محصور شده و حتی گاهی کسانی درصدد انعکاس تصویر زشت و منفور در مورد آنند، ظهور شخصیت‌هایی مانند «محمد جواد»، فرزند «اوس موسی» در سریال «پایتخت»، نمادی از روحانیتی است که ریشه در متن جامعه دارند؛ کسانی که از خانواده‌هایی از جنس همین مردم، با دارا این مسیر نهاده اند و سر سفره‌ای نشسته‌اند که پدرانشان با دست‌های پینه بسته، نان حلال به خانه برده‌اند.



پسر اوس موسی

محمد جواد، برخلاف تصاویر کلیشه‌ای از روحانیت، نه در برج عاج نشسته و نه زبان پیچیده‌ای دارد. او تربیت یافته خانواده‌ای کارگر است که مردم‌داری و سخت‌کوشی را با شیر مادر نوشیده است. حضور او در کنار خانواده نفی، نشان می‌دهد که عمامه، نه سدی بین او و مردم، بلکه پلی برای ارتباط با آنان است.

آنچه محمد جواد را محبوب کرد، رفتارش بود. وقتی اوس موسی با همان لهجه ساده و صمیمی درباره «تأثیر نان حلال» سخن می‌گفت، گویی صدای هزاران خانواده را بازتاب می‌داد که می‌خواهند فرزندان‌ی سالم پرورش دهند.

حوزه سکولار

سکولاریسم، به این معنی که دین نباید در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی دخالت کند، محصول غرب است و از رنسانس به بعد مطرح شد؛ اما عمر سکولاریسم در جهان اسلام، به صد سال هم نمی‌رسد.

بنیانگذار این تفکر در جهان عرب، افرادی مانند طه حسین و علی عبدالرازق مصری بودند که معتقد بودند اگر پیامبر اکرم، حکومتی تشکیل داد، این امر ناشی از ضرورت‌های تاریخی و درخواست مردم بود؛ نه یک دستور دینی همیشگی. این دیدگاه، نقطه آغاز شکل‌گیری سکولاریسم در جهان اسلام محسوب می‌شود. در ایران، ریشه‌های این تفکر، به دوره مشروطه باز می‌گردد؛ زمانی که برخی از ایرانیان، برای مأموریت‌های سیاسی، تجارت، تحصیل یا تفریح، به اروپا رفتند و تحت تأثیر پیشرفت مادی غرب قرار گرفتند. آنها بدون تحلیل عمیق درباره علل این پیشرفت، به این نتیجه رسیدند که جدایی دین از سیاست، عامل اصلی رشد جوامع غربی است. حوزه‌های علمیه، به عنوان نهادهای تأثیرگذار در جامعه، از ظهور این پدیده، بی‌تأثیر نبوده‌اند و ردپای این تفکر، در برخی جریان‌های حوزوی نیز دیده می‌شود. در این میان، دو نوع نگرش سکولار در حوزه‌ها قابل شناسایی است:

۱. سکولاریسم سنتی
۲. سکولاریسم مدرن

